



قرار آزاد مردان جهان

ما که نبوده ایم ولی می گویند وقتی حسین(ع) با تن زخمی و نفس های به شماره افتاده، یکه و تنها در مقابل لشکر اشقیا ایستاد، جمله ای را فریاد کرد: اگر دین هم ندارید لااقل در دنیایان آزاده باشید. و انگار می دانست این فریادی که با قطرات خونس آمیخته شده، در دنیا آتشی به پا خواهد کرد که به جان تمام آزاد مردان جهان خواهد افتاد و هرگز خاموش نمی شود و هر روز در دل های بیشتری شراره می اندازد تا به امروز برسد.

این روزها وقتی در کربلا برای حسین(ع) اربعین می گیرند، پیر و جوان، زن و مرد، دارا و ندار، علیل و سالم، مسلمان و مسیحی، گبر و مومن، همه و همه دیوانه وار خود را به مزارش می رسانند تا این آتش به سینه افتاده را با چسبیدن به ضریح مطهرش تسکین دهند. آنها به ندای عام حسین(ع) که «آزاده باشید» لبیک می گویند. اما در این میان ما چه کرده ایم؟ آیا برای ما هم دلخوش کردن به این لبیک عام کفایت می کند؟

خون حسین(ع) بستری ایجاد کرده برای همدلی و اتحاد احرار عالم و وظیفه ماست که سفير این اتحاد باشیم و به دنیا نشان دهیم این همدلی بی سابقه را. چقدر در برابر این وظیفه مسئولیت پذیر هستیم؟ معنای خاص ندای «هل من ناصر ینصرنی» برای کسی است که نمی خواهد فقط گریه کن باشد. حتی به مسافر بودن هم بسنده نمی کند. می خواهد سفير اربعین حسین(ع) باشد.

ای مسافر خوش توفیق کربلا! حال که چند روز پای پیاده، پا جای پای زینب(س) می گذاری، فقط رهرو نباش. حیف است که این چند روز با این ظرفیت عظیم فقط به پیاده روی سپری شود. هیچ می دانی در این روز که زینب کبری با حال نزار، خود را به مزار حسینش رساند، بسیاری در غفلت و بی خبری به روزمرگی خویش مشغول بودند؟ زینب، سفير کربلا شد تا خوابزدگان را تکان دهد و دل های غبار گرفته و پراکنده را بر گرد خون حسین جمع کند.

هیچ می دانی امروز هم بسیاری کسانی که این روز را در روزمرگی خود به خواب رفته اند و از محشری که اینجا به پاست بی خبرند؟ ما چقدر سهم داریم برای رساندن پیام این یکدلی به آنان که هنوز دو دل هستند؟

این روزها هر کس می تواند یک رسانه باشد، بیکار ننشینیم. مسافریا بی جامانده، هر جا که هستیم اربعین جلوه های زیادی از این یکدلی را خلق کرده است. کافی است چشم باز کنیم و این عظمت را در حد توانمان روایت کنیم؛ باشد که در رساندن پیام اربعین سهمی بر ایمان بنویسند.

آسمان خوب می داند چرا آن بالا قرار گرفته، خوب می داند که هر چه هست و نیست در کربلاست

در راه کربلا خوب نگاه کن، به عظمت صاحب روز اربعین، به کوچکی خودت، به مرحمتش ..

در راه کربلا به آدم ها بنگر، به سادگی نگاه کودکان عراقی، به پیرزن هایی که تمام دارایی یک ساله شان را خرج زائران می کنند

به پاهای خسته ی جوانان اروپایی، به لبخند از سر شوق

آفریقایی ها، به ذوق چشمان مسیحیان و به اخلاص مردم ایرانی اما به کربلا که رسیدی فقط فکر کن و سر از خاک بر مگیر، آن

چنان که آسمان با تمام وسعت خود!

به کربلا که رسیدی به همه چیز بیندیش

به غربت مهدی فاطمه (سلام الله علیها) بیشتر

به ۲۰ میلیون زائر

به ۳۱۳ نفر

هنر عاشقی

هنر اسلام انقلابی در مقابله با اسلام آمریکایی، پویایی اندیشه و ایجاد وحدت میان مسلمانان با اهداف جهان شمول است. نمود این تفکر، انقلاب اسلامی و تربیت فرزندان است که با حرکت جهادی در نقاط مختلف جهان و با نفی خلوت گزینی، گوشه نشینی و سکوت در برابر ظلم، لرزه بر بنیان های کفر و ظلم و طاغوت می اندازد و با انتقال پیام الهام بخش، وحدت آفرین، آزادی خواه و آزاده پرور قیام عاشورا، اسلام را به فطرت پاک و نورانی مردم می رساند.

پیاده روی اربعین حضور همان آزادگان آزادی خواه جهان با جلوه ای از فرهنگ، سیاست و اسلام انقلابی است که طینتشان را هنرمندانه با زیبایی معرفت و اندیشه حسینی سرشته اند و کامشان جز با جرعه ای از وصال ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) و شهادت در راه اسلام شیرین نخواهد شد.

آنکه با شوق وصل زنده است و از هجر یار می سوزد در تاب و تب شهادت و قیام بر ظالم است، هر قدمش در پیاده روی اربعین، حرکتی است کربلایی همچون حرکت شیخ زکریاکی در نیجریه، شیخ نمر در عربستان، شیخ عیسی قاسم در بحرین و حرکت هزاران هزار آزادی خواه که هر کدام می تواند عاشورایی دیگر بیافریند.

زیبایی مخلوق خداوند، انسان را مجذوب خود می کند و هنر، محصول اراده انسان برای تکرار دیدن یا شنیدن زیبایی مخلوقات الهی است. همان زیبایی، طراوت و ترنمی که با مهارت اندیشه و دست انسان مهار می شود و گاهی در معرفت الهی تجلی پیدا می کند. چنان که ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) در تجلی مصباح و نور هدایت از فرش تا عرش رحمان، هنر آفرین معرفت و اندیشه الهی شد.

همان گونه که خدای متعال انسان را از خاک آفرید و از روح خود به آن دمید و سرشت، ذات و حقیقت او را در مدت چهل روز با زیبایی و جمال بیاراست؛ حماسه اربعین، در تقویت و احیاء ایثار و از خودگذشتگی و حقیقت عاشوراء، مکمل و متمم است.

اسلام زائیده همین هنر الهی است. هنر هر چه سرزنده و پویاتر مخاطبش بیشتر است. محبوبیت هنر در اراده خالق آن برای خلق اثری در اوج شمولیت و عمومیت مخاطب است. همچون ندای هل من ناصر سیدالشهداء (علیه السلام) در ظهر عاشوراء و سیمای نورانی ایشان بر روی نی، در خلق زیبایی های معرفتی اسلام، تا ابد روح تک تک ابناء بشر را خطاب می کند و به خود می خواند بی آنکه فرقه ای از فرق و شخصی از انسانها را منحصر کند.



دوین همانایی ظرفیت های فرهنگی و تمدنی کنگره اربعین حسینی

حجت الاسلام والمسلمین پناهیان: اربعین نماد اتحاد قلبی و مقدمه ظهور

• چرا ثواب زیارت امام حسین با شهادت مقایسه می شود؟ مهمترین کارکرد شهادت ایجاد امنیت و اقتدار برای جامعه دینی است.

• امام خمینی در مورد عزاداری می گوید: «شما انگیزه این گریه و این اجتماع در مجالس روضه را خیال نکنید که فقط این است که ما گریه کنیم برای سیدالشهدا... این مجالس ها مردم را همچو مجتمع می کنند و یک وجهه می دهند، سی میلیون، سی و پنج میلیون جمعیت در دو ماه محرم و خصوصا دهه عاشورا طرف یک راه می روند. جنبه سیاسی این مجالس بالاتر از همه جنبه های دیگر هست.. مسئله، مسئله، گریه نیست. مسئله، مسئله، مسئله، مسئله، مسئله سیاسی است که ائمه ما با همان دید الهی که داشتند، می خواستند که این ملت ها را با هم بسیج کنند. اینها را یکپارچه کنند تا آسیب پذیر نباشند.»

• ما هر کاری که بخواهیم انجام دهیم نیاز به قدرت و اقتدار داریم. امت نمی تواند در حالت ضعف برای تمدن اندیشه کند. امت اسلامی نیاز به اقتدار و امنیت دارد. این اقتدار و امنیت جز با حضور متحد مردم تحقق پیدا نمی کند. بدون مردم برای تامین امنیت کاری از پیش برده نمی شود و این بدون اتحاد قلبی مردم ممکن نیست.

• حضرت مهدی(عج) برای ظهور خود چنین مقدمه ای را لازم می دانند: «اگر شیعیان ما جمع شوند و قلب های خود را با هم متحد کنند برای اینکه به عهده ای که با ما دارند وفا کنند، مژده ملاقات ما به تأخیر نخواهد افتاد و دیدار ما برای آنها سرعت خواهد گرفت.» لذا تجمع در اربعین علامت ظهور است.

• مهمترین عاملی که یک ملت را بدبخت می کند راه های باطلی که آنها طی می کنند نیست، بلکه تشخیص ندادن راه های حقیقی است که رو به روی آنهاست و نمی فهمند کدام راه حق ترجیح دارد.

• میان عوامل سعادت یک ملت کدام مسئله کلیدی تر است؟ همان که حضرت مهدی(عج) فرمود یعنی اجتماع قلوب برای وفای به عهد مهمترین است. هیچ عامل دیگری کارایی این عامل را ندارد و به سستی به دست می آید.

• در سه روز پیاده روی اربعین، فرصت اندیشیدن وجود دارد. در هیچ جای دیگر اینهمه تعقل و تفکر امکان پذیر نیست. درک برخی از معجزه ها نیاز به تفکر و تعقل دارد. بزرگترین معجزه های که در دین ما وجود دارد معجزه قلب هایی است که پس از ۱۴۰۰ سال عزادار حادثه عاشورا است. اندیشمندان جهان برای این معجزه چه پاسخی دارند؟

فتنه گراهای احمق همین طوری هستند. کار را خراب می کنند، بعد اراذل و اوباش، کار را از دست شان در می آورند، و وقتی که کار از دست شان در رفته، آن وسط می ایستند و گریه می کنند! در حالی که تو خودت این بساط را راه انداختی!

هولوکاست ایرانی

جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴م آغاز گردید. در آن جنگ، ایران به طور رسمی اعلام بی طرفی کرد ولی با وجود این اعلام، نیروهای متخاصم انگلیس و روس از نقاط مختلف وارد کشور شدند. جدا از دلایل ژئوپلیتیک و منابع حیاتی ایران که برای ادامه جنگ ضروری بود، یکی از دلایل این تعرض به ایران، شکل گیری احساسات همسو با آلمان از طریق یکی از مقامات دربار بود و بریتانیا از بیم وقوع کودتای آلمانی در ایران، نیروهای خود را تا پشت دروازه های پایتخت پیش آورد. انقلاب کبیر ۱۹۱۷ روسیه سبب شد تا روس ها از ایران بروند و حضور عثمانی ها هم کمزنگ شود، اما نیروهای بریتانیا به طور گسترده حضور نامشروع خود را حفظ کردند. آنها تمامی منابع و تولیدات کشاورزی را برای گذران نیاز نظامیان خود در جنگ خریداری کرده و احتکار کردند. بعلاوه مانع واردات مواد غذایی از بین النهرین، هند و حتی از آمریکا به ایران شدند. قشون انگلیس در کنار عدم صدور مجوز خرید غله به



ایران انبارهای غله باقی مانده که نمی توانستند خریداری کنند را آتش می زدند و بدین ترتیب یک قحطی مصنوعی شدید به مردم تحمیل شد. به دنبال این فقر و ناتوانی و شیوع بیماری های مرگبار از جمله وبا که بنا به اسناد موجود در برخی منابع، انگلیسی ها در پخش و گسترش این بیماری ها به طور عمد و برنامه ریزی شده نقش داشتند شرایط هولناکی در جامعه ایرانی ایجاد گردید.

فرانسیس وایت دبیر سفارت آمریکا می نویسد: «در سرتاسر جاده ها کودکان لخت دیده می شوند که فقط پوست و استخوان اند. قطر ساق هایشان بیش از سه اینچ نیست و صورتشان مانند پیرمردان و پیرزنان هشتاد ساله تکیده و چروکیده است. همه جا کمبود دیده می شود و مردم ناگزیرند علف و یونجه بخورند. در همدان چندین مورد دیده شد که گوشت انسان می خوردند و دین صحنه درگیری کودکان و سگها بر سر جسد و یا بدست آوردن زباله هایی که به خیابان ها ریخته می شود عجیب نیست» مقایسه جمعیت ایران بین سال های ۱۹۱۴، ۱۹۱۹ حاکی از آن است که حدود ده میلیون نفر به علت قحطی و بیماری جان خود را از دست دادند و پس از این قحطی، چهل سال طول کشید تا ایران به جمعیت ۱۹۱۴ خود بازگردد.

هولوکاست سال های ۱۹۱۷- ۱۹۱۹ به یقین بزرگترین فاجعه تاریخ ایران و نسل کشی قرن بیستم بود که توسط انگلیسی ها با هدف فروپاشی جامعه ایرانی و حفظ سلطه و کنترل هرچه بیشتر بر کشور ایران صورت گرفت.

آرزوی همه ما در زمان جنگ این بود که بعد از پیروزی، کربلا را زیارت کنیم و پیاده این راه را بپیماییم و اتفاقا پیاده رفتن حال می دهد تا رفتن با ماشین و هواپیما. وقتی تصاویر را می بینم، چه در مسیر و چه مقصد، جز این نیست که آه می کشم کی نوبت من می رسد؟



تا به حال به پیاده روی اربعین رفتید؟

من به دلیل کسالتی که دارم، نمی توانم از تهران دور شوم و حتی دو سال است شهرستان هم نرفتم اما از دور دنبال کردم و می دانم که مردم با چه اشتیاقی برای این سفر از هم سبقت می گیرند و حتی بعضا در مرزها مشکل ایجاد می شود. حتی تهدیدات تروریستها هم نمی تواند جلوی حرکت مردم را بگیرد. اینها گامهاییست در اعتلا و صدور اسلام از طریق جمهوری اسلامی به دنیا. این قدم اولیه است.

اشتیاق و سبقت مردم از یکدیگر برای این سفر، گام هایی ست در اعتلا و صدور اسلام از طریق جمهوری اسلامی به دنیا.

وقتی تصاویر مربوط به اربعین را می بینید چه حسی دارید؟

به هر حال آرزوی همه ما در زمان جنگ این بود که بعد از پیروزی، کربلا را زیارت کنیم و پیاده این راه را بپیماییم و اتفاقا پیاده رفتن حال می دهد تا رفتن با ماشین و هواپیما. وقتی تصاویر را می بینم، چه در مسیر و چه مقصد، جز این نیست که آه می کشم کی نوبت من می رسد؟

برای استفاده از این ظرفیت فرهنگی چه کارهای رسانه ای می شود انجام داد؟

همه اینها برمی گردد به دولتمردان و مخصوصا متولیان هنر ما که به این مهم بپردازند و جدی بگیرند و پیرامون آن هزینه کنند. یک مستندی ساخته شد درباره استاد فرشچیان عزیز که ضریح امام حسین را طراحی کردند و مراحل ساخت و بردن و نصب آن را نشان داد. چقدر این فیلم تاثیرگذار است و انسان را متحول می کند و به فکر وادار می کند. این معجزه هنر

کردم حضورم در جبهه لازم است اما چون سنم کم بود از طریق بسیج نتوانستم اعزام شوم؛ فرمانده بسیج مخالفت می کرد. حتی یکی دوبار کارت شناسایی و شناسنامه ام را دستکاری کردم و خودم را متولد ۱۳۴۴ کردم -هنوز آن را دارم- اما آن ترند هم نگرفت. مجبور شدم فرار کنم و رفتم لب مرز، تا جایی که نیاز به برگه تردد بود. رفتم قرارگاه بدر کرمانشاه و با کلی خواهش و تمنا برگه تردد دوازده گرفتم و پیش پسر خاله شهیدم در گردان حسین ابن علی تیپ ثارالله -که بعدا لشکر ۴۱ ثارالله شد به فرماندهی حاج قاسم سلیمانی- رفتم. فرمانده گردان هم شهید هنری شوهر دختر خاله ام بود که در همان عملیات به شهادت رسید. پافشاری کردم و قبول کردند که من باشم. این اولین بار بود و سختیش هم همان بود. دفعه بعد دیگر راحت به منطقه می رفتم و مدت ۴ سال و نیم در منطقه حضور داشتم.

در کدام عملیات ها حاضر بودید؟

والفجر ۱ و ۳ در مهران و شلمچه، والفجر ۴ در پنجوین، والفجر ۸ هم شلمچه و مرصاد در اسلام آباد غرب بودم.

از خاطرات زمان جبهه و جنگ بگوید.

همه جای جنگ خاطره است. اما یکیش برایم خیلی مهم است. قبل از عملیات کربلای ۵ یک سنگر بود که خاموش نمی شد و دایم با تیربار بچه ها را به شهادت می رساند. بعد مدتی دیدم خاموش شد؛ چون بچه بودم با ترس و لرز رفتم سراغش و بهش نزدیک شدم. هر لحظه احساس می کردم الان هست که یک گلوله به پیشانی و قلم بخورد. وقتی رسیدم دیدم یک افسر ارشد است بعد که اسیرش کردم بچه ها می خواستند به او آسیب برسانند و من مانع شدم. گفتم شاید اطلاعاتی داشته باشد. بعدها شنیدیم که خیلی از مسائل عملیات کربلای ۵ را اعتراف کرده بود و آگاهی داده بود و برای من حس قشنگی داشت که نگذاشتم آسیب ببیند.

یک روز پاییزی در آبان ۹۵ به دفتر آقا رضا ایران منش بازیگر عرصه دفاع مقدس می روم. یک دفتر کوچک که تمام دیوار آن پر بود از تصاویر شهدا و رزمندگان دفاع مقدس، برخلاف تصورم که فکر می کردم دفتر یک بازیگر باید پر از تصاویر خودش یا فیلم هایش باشد. او در بیش از ۶۰ اثر سینمایی و تلویزیونی دفاع مقدس بازی کرده است. هنوز یادگاری های دردناک جنگ را با خود دارد. اتفاقا امروز از بیمارستان آمده بود اما با لطف ما را پذیرفت. بخش اول مصاحبه را در این شماره می خوانید.

ابتدا کمی از خودتان بگویید.

با سلام. بنده رضا ایران منش متولد ۱۳۴۶ در جیرفت کرمان هستم. دوران متوسطه را در جیرفت به اتمام رساندم و در طول همان مدت تحصیل ۴ سال ونیم را جبهه بودم. بعد از پایان جنگ به خدمت سربازی رفتم که در کنکور هنر سال ۱۳۶۹ در دانشگاه هنرهای زیبای دانشگاه تهران قبول شدم و کارشناسی بازیگری را از دانشکده هنرهای زیبا دریافت کردم و کارشناسی ارشد کارگردانی و بازیگری را از دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس تهران اخذ کردم و بعد هم دکترای پژوهش و هنر را دریافت کردم.

چطور وارد جبهه شدید؟

باید مانند حج که روحانی کاروان داریم آنجا هم روحانیون باشند تا مردم اشتباهی نکنند

سال ۱۳۶۱ بود که برای اولین بار اعزام شدم. ۱۴ سال داشتم که با توجه به هجومی که دشمن به سمت مرز ما در سوسنگرد آورده بود، احساس



زیتون

(ترجمه خصائص الحسینیہ)

این مجموعه، ترجمه «خصائص الحسینیہ» تالیف آیت الله شیخ جعفر شوشتری در باب ویژگی‌های امام حسین (ع) از جمله در عوامل وجود، جایگاه‌های شهود از آغاز تا پایان آفرینش، هنگام ولادت و شهادت، روز رستاخیز و پس از آن است.

استاد بزرگوار حجه الاسلام و المسلمین آقای فاطمی‌نیا می‌فرمایند: جمال السالکین، علامه،

مجتهد کبیر شیعہ، آشیخ جعفر شوشتری (قدس سره).

می‌دانید که ما بزرگان زیادی داریم و داشتیم،

اما می‌گویند هر گلی یک بویی دارد. شیخ

جعفر شوشتری، دو قبضه امام حسین (علیه السلام)

بود. مرجع تقلید بود، ولی گفته بود تا عمر دارم،

روضة خواندن برای ابا عبد الله (علیه السلام) را ترک

نخواهم کرد. حضرت دست به سرش کشیده

بود. نمی‌توانست به کسی بگوید. یک مختصری

گفته بود و به همان اندازه‌ای که عقل ما می‌رسد.

کتابی نوشته به نام «خصائص الحسینیہ»، اصلا

مطالب آن کتاب در هیچ جا نیست!

مولف: آیت الله شیخ جعفر شوشتری

مترجم: دکتر خلیل الله فاضلی

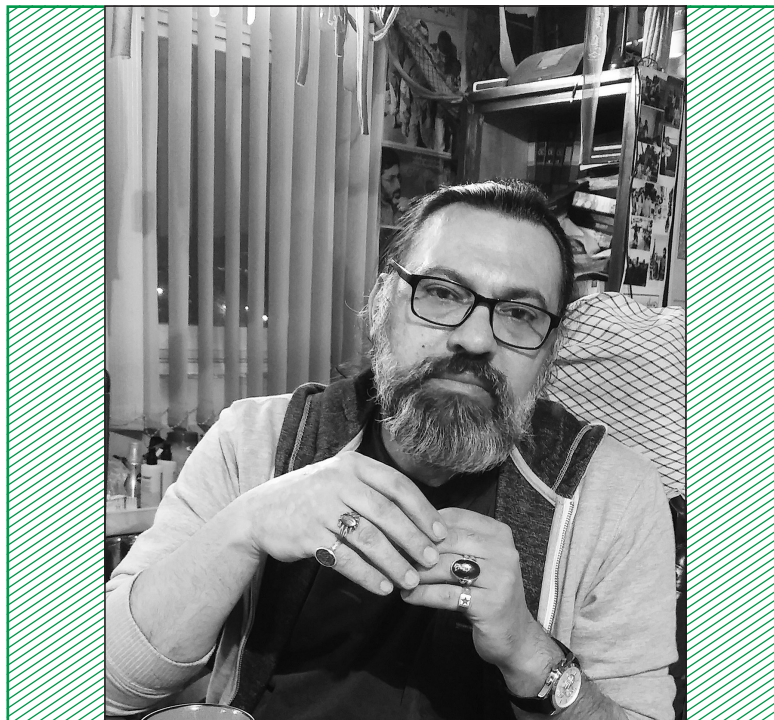
ناشر: نشر هفت

در بیاید. می‌شود یکی برود با یک دوربین غیر حرفه‌ای فیلم بگیرد. این فقط تحقیقاتی ست و کلا لوٹ می‌کند این بحث را.

وظیفه زائران را در بالا بردن جایگاه فرهنگی ایران چه می‌دانید؟

به نظر من اول بگویید مسئولان باید در این رابطه چه بکنند؟ من پیشنهادی به مسئولان می‌دهم. یک ارگانه‌ای داریم که مرتبطند با فیلمسازی مانند ارشاد، فارابی و صدا و سیما و... اینها باهم جمع شوند و مسائل فنی این قضیه را برعهده بگیرند. بسیج و سپاه و ارگانه‌ای که فرهنگ برایشان مهم است بیایند و به لحاظ مالی و اجرایی حمایت کنند. در حقیقت شورایی را تشکیل بدهند و برای مناسبت‌های مهم از جمله اربعین برنامه‌ریزی کنند و بودجه‌ای را برای این مقاصد بگذارند.

اما درباره سواتان. مردم بدانند که هر کس آنجا می‌رود، نماینده ایران اسلامی است لذا کوچکترین حرکت در دید تمام مردم دیگری که هستند، ثبت و ضبط می‌شود. پس از نظر برخورد با خارجی‌ها و نظافت و رعایت کردن ارکان دین دقت داشته باشند. همانطور که گفتم کعبه دوم است و باید مانند حج که روحانی کاروان داریم آنجا هم روحانیون باشند تا مردم اشتباهی نکنند که به ما بدبین شوند. مثلا نماز اول وقت و تمام ارکان دین رعایت شود و خستگی نباید ما را از اصل ماجرا دور کند.



من دیدم با چه عشقی، پای برهنه می‌روند و همینطور ارتباط‌هایی که با مسلمانان دنیا پیدا می‌کنند

مستندسازها باید با یک دسته راه بیفتند و همه این زیر و بم‌ها، تشنگی و گرسنگی و تاول‌های پا را ثبت کنند.

آنجا به نوعی کعبه دوم شده است. از همه جای دنیا می‌آیند. با هم تلاقی می‌کنند و به هم وصل می‌شوند.

مثلا آن بچه چهار- پنج ساله که کفش را واکس می‌زند، برای چه کسی این کار را می‌کند؟ این بچه ۴ ساله از کجا به کجا رسیده و به چه شعوری رسیده؟ همه اینها را می‌شود کتاب کرد و پیرامونش بحث کرد.

چرا خود هنرمندان وارد گود نمی‌شوند؟

هنرمند ما غم نان دارد. هنرمند ارزشی ما در نان شبش مانده. من خودم را می‌گویم که فکر می‌کنم فردا پولی دارم که زندگی شخصیم را بگذرانم؟ وقتی دستم باز نباشد، فکر من اجازه نمی‌دهد کار بکنم. در همین بسیج مثلا سردار نقدی بگوید ایران‌منش این پول؛ یک تیم بردار برو من دوربین و وسایلی را هم خودم می‌برم. الان وضعیت مالی خیلی از هنرمندان خوب نیست. یک عده معدودی الان ۲۴ ساعته کار می‌کنند که آنها هم در این وادی‌ها نیستند. آنها می‌گویند به جای اینکه من ۲۰ روز بروم آنجا، در همین خانه بیشتر پول درمی‌آورم چون عشق آن را ندارد. آن کسی هم که عشق این کار را دارد و دلسوز است، پول ندارد و کسی از او حمایت نمی‌کند. شرایط باید به گونه‌ای باشد که مثلا من بروم سوژه‌ای را دنبال کنم و سیستم صوتی تصویری و چند نفر عوامل ببرم. خب این پول را من ندارم. همه اینها نیاز است تا یک کار خوب

است. باید دست آن فیلمساز را بوسید و باید قدردانی کرد که چنین فکری به ذهنش آمده و این کار را انجام داده است. چرا نباید مسولان ما پیرامون این مسائل هزینه کنند و وقت بگذارند؟ ما مسایل مهم کم نداریم و مسئولان باید از هنرمندان بخواهند تا اینها را ثبت و ضبط کنند.

متأسفانه با وجود سوژه‌های معرفتی و فراوان این واقعه بزرگ تا حالا مستند جامع و پرمخاطبی در مورد آن ساخته نشده.

خیلی بد است. مستندسازها باید با یک دسته راه بیفتند و همه این زیر و بم‌ها، تشنگی و گرسنگی و تاول‌های پا را ثبت کنند. من دیدم با چه عشقی، پای برهنه می‌روند و همینطور ارتباط‌هایی که با مسلمانان دنیا پیدا می‌کنند؛ اینها را به شکل فیلم مستند بسازند. آنجا به نوعی کعبه دوم شده است. از همه جای دنیا می‌آیند. با هم تلاقی می‌کنند و به هم وصل می‌شوند.

واقعا می‌شود از هزاران هزار موضوع آنجا فیلم ساخت. چرا تلویزیون نباید بیست تا گروه را موظف کند که در مسیر بروند و مستند تهیه کنند؟ اینها چیزهایی است که شاید به آن ساده نگاه شود اما انقدر بزرگ و تاثیرگذار هستند که فکرش را هم نمی‌کنیم.

نخست‌وزیر بود

که یادم برود چه وظیفه سنگینی در قبال خدا و خلق دارم، از شما می‌خواهم در حق من دعا کنید.

روزی نخست‌وزیر را دیدم که مانند همان معلم ساده سال‌های پیشین کیسه برنج و نیاز روزانه خانه را با دوش خویش به منزل می‌برد داشتم کلافه می‌شدم و بی اختیار به سویش دویدم. پس از سلام گفتم: برای اهالی محل بد است که ببینیم شما با آن مسئولیت سنگین به این شکل در زحمت بیفتید. اجازه دهید کمکتان بکنیم. او با یک دنیا احساس مسئولیت در قبال پرسش من و تکلیف خویش در خانواده، اول جواب سلام را داد و بعد گفت: متشکرم. من باید کار خود را خودم انجام دهم. من با این کار اجر می‌برم. مرا از اجری که خدا وعده داده است محروم نکنید.

رجایی شبیه مردم ساده راه می‌رفت، انگار هیچ مرزی بین او و مردم نبوده، او مردم را می‌فهمید.

نخست‌وزیر بود. روزی جهت دیدار و رساندن پیامی وارد همان خانه تاریخی (کلنگی) وی شدم، از مشاهده صحنه‌ای قلبم به درد آمد. هوا کمی گرم بود، او خیلی ساده با یک زیرپیراهن که چند جای آن سوراخ بود در گوشه حیاط خانه‌اش نشسته بود و داشت با دو، سه دانه خرما و یک لیوان شیر، صبحانه می‌خورد.

بعد از سلام و احوالپرسی گفتم: این چه وضعی است که شما دارید؟ چرا به خود نمی‌رسید و این قدر زندگی را به خود سخت گرفته‌اید؟ از شما توقع نداریم مانند نخست‌وزیران دوره ستم‌شاهی باشید اما لااقل یک زیرپیراهن درست و حسابی به تن کنید. مثل این که شما نخست‌وزیر هستید.

آهی کشید و گفت: جانم! از این حالم نگران نباش، نگران آن روزم باش که میز و مسئولیت مرا بگیرد و من گذشته خویش را فراموش کنم، خدا نکند روزی بر من بیاید

ملت ما بلکه ملت‌های اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند به اینکه دشمنان آنان که دشمن خدای بزرگ و قرآن کریم و اسلام عزیزند درندگانی هستند که از هیچ جنایت و خیانتی برای مقاصد شوم جنایتکارانه خود دست نمی‌کشند و برای رسیدن به ریاست و مطامع پست خود دوست و دشمن را نمی‌شناسند و در راس آنان آمریکا، این تروریست بالذات دولتی است که سرتاسر جهان را به آتش کشیده و هم‌پیمان او صهیونیست جهانی است که برای رسیدن به مطامع خود جنایاتی مرتکب می‌شود که قلم‌ها از نوشتن و زبان‌ها از گفتن آن شرم دارند و خیال ابلهانه اسرائیل بزرگ، آنان را به هر جنایتی می‌کشاند. (وصیت‌نامه)



آمریکا، شیطان اکبر



اربعین، لازم است برویم؟



پرواز ۷۷

تاریخ

حتی در ۹۰ سالگی نیز اینگونه زیارت را ترک نکردند. در این سفر جمعی از اطرافیان و شاگردان، همراهشان بودند. بعضی از ایرانیان نیز گاهی، ایشان را همراهی می‌کردند. کم کم مردم عراق به این مسئله توجه کرده و این نوع سفرها رواج پیدا کرد. نقل شده که مرحوم علامه امینی در زیارت‌هایی که به کربلای معلی داشتند بارها مسیر بین نجف تا کربلا را با پای پیاده طی کرده‌اند. این سنت آن چنان بین روحانیون ساکن نجف رایج شده بود که در ایامی غیر از اربعین و عرفه، گروه‌هایی بارها مسیر نجف تا کربلا را با پای پیاده رفتند. میرزا جواد آقا ملکی تبریزی یکی از مراجع جهان تشیع است که بارها مسیر نجف تا کربلا را با پای پیاده پیموده و درباره‌ی مراقبه و بزرگداشت روز اربعین حسینی چنین می‌گوید: «به هر روی بر مراقبه کننده لازم است که بیستم صفر (اربعین) را برای خود روز حزن و ماتم قرار داده، بکوشد که امام شهید را در مزار حضرتش (ع) زیارت کند، هرچند تنها یک بار در تمام عمرش باشد.»

سفر پیاده تا کربلا، به مرور زمان در عراق گسترش بسیاری پیدا کرد و در مناسبت‌های مختلف، زائران با پای پیاده مسیر شهرشان تا کربلای معلی را می‌پیمودند. با روی کار آمدن دولت بعث عراق و صدام، حکومت با این مسئله به شدت برخورد کرد و بسیاری از زائرین پیاده را اسیر و اعدام کرد اما این کار باعث نشد مردم دست از این کار بردارند به طوری که مخفیانه این مسیر را طی می‌کردند. بعد از سقوط صدام راه هموارتر شد اما به دلیل حضور نظامیان آمریکا همچنان مشکلاتی وجود داشت. در سالهای اخیر با وجود تهدیدات تروریستی تکفیری‌ها و داعش و بدتر شدن شرایط امنیتی شاهد افزایش انگیزه و توجه مردم نسبت به پیاده‌روی اربعین و به چالش کشیده شدن تهدیدات تروریستی هستیم. آمار زائران در دو سال گذشته علاوه بر سیر صعودی تعداد آنها، نشان دهنده حضور ملیت‌ها و ادیان مختلف در این اجتماع بزرگ انسانی ست. طبق گزارش‌ها در سال ۹۳ حدود ۲۰ میلیون و در سال ۹۴، ۲۷ میلیون زائر در ایام اربعین با پای پیاده خود را کربلا رساندند. امروزه گردهمایی اربعین در عراق در صدر بزرگترین اجتماعات مسالمت‌آمیز جهان قرار دارد و اگر شرایط به همین نحو فراهم باشد می‌توان انتظار داشت جمعیت زائران اربعین در طی سال‌های آینده بیشتر نیز شود.



بود ولی با وارد شدن اولین نوع از اتومبیل‌ها به منطقه، سفرهای کاروانی تعطیل شده و به دنبال آن، زیارت با پای پیاده نیز بسیار کم‌رنگ و به فراموشی سپرده شد. بعد از مدتی آیت‌الله‌العظمی سیدمحمود شاهرودی به عنوان یکی از اساتید و مدرسان با نفوذ معنوی حوزه نجف مطرح می‌شود. ایشان تأکید و اصرار خاصی در پیاده رفتن به کربلا داشتند که همین عامل باعث شد موضوع زیارت پیاده به کربلا مورد توجه قرار بگیرد. گفته می‌شود ایشان ۲۶۰ بار مسیر کربلا را پیاده طی کردند.

مردم و صالحان به این موضوع بیشتر شد و دیگر عار محسوب نمی‌شد به طوری که در برخی سال‌ها، تعداد چادرها و خیمه‌های راه پیمایان، به سی عدد می‌رسید و هر چادر به بیست تا سی نفر تعلق داشت و به این ترتیب، این سنت حسنه دوباره مرسوم شد و رونق گرفت. آخرین زیارت با پای پیاده‌ی ایشان به کربلا در سال ۱۳۱۹ بود که بعد از این سفر به دلیل بیماری فوت می‌کنند. تشرف به کربلا با پای پیاده، تا زمان محدث نوری، بین طلاب و فضایی حوزه نجف رسم

زیارت با پای پیاده از گذشته مرسوم بوده و منحصر به زمان خاصی نیست. از زمان حضرت آدم (ع) گرفته تا زمان خودمان و پیاده رفتن به مشهدالرضا در روزهای پایانی ماه صفر. در اسلام هم بر زیارت با پای پیاده بسیار سفارش شده است. نقل شده که امام حسن (ع) بیست و پنج مرتبه از مدینه با پای پیاده به زیارت خانه خدا رفتند. درباره زیارت امام حسین (ع) روایات زیادی وجود دارد از جمله امام صادق (ع) می‌فرمایند: هر که پیاده به زیارت قبر امام حسین (ع) رود، خداوند متعال به عدد هرگام برای او هزار حسنه می‌نویسد و هزار گناه را از او محو می‌کند.

در سالها و حکومت‌های مختلف این رسم وجود داشته اما به مقتضای زمان و مشکلات دچار فراز و نشیب‌هایی شده است. از آنجا که زیارت اربعین یکی از نشانه‌های مؤمن و از اعمال مهم بیان شده، مورد توجه ویژه‌ی علما، بزرگان و به مرور زمان، مور توجه مردم قرار گرفته است. در تاریخ نخستین زائر پیاده‌ی کربلا را جابر بن عبدالله انصاری می‌دانند که چهل روز پس از به شهادت رسیدن امام حسین (ع) خود را کربلا می‌رساند و قبر آن حضرت را زیارت می‌کند. بعد از آن هم شیعیان و در زمان حضور ائمه (ع) که مصادف با دوران حکومت‌های اموی و عباسی بوده و با وجود خطرات فراوان، این سنت را انجام می‌دادند.

در برخی از روایات تاریخی آمده که زیارت کربلا با پای پیاده در زمان شیخ انصاری (متوفی سال ۱۲۸۱ قمری) رسم بوده است. ایشان این کار را به عنوان نمادی برای شیعیان معرفی می‌کنند که بعد از مدتی به دست فراموشی سپرده می‌شود. شیخ میرزا حسین نوری، مجدد این رویه را احیا می‌کند. ایشان برای اولین بار در روز عید قربان مسیر نجف تا کربلا را به مدت سه روز طی کرد که در این سفر سی نفر از دوستان و اطرافیانش او را همراهی کردند. بعد از این سفر تصمیم می‌گیرد که هر سال این کار را تکرار کند. پس از زمان شیخ انصاری این کار، کم ارزش و متعلق به طبقه فقرا و نیازمندان معرفی شد اما میرزا حسین نوری، این مراسم را در میان مردم رونق داد. مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی که از نزدیک شاهد تلاش استادش بوده، می‌نویسد: «استاد ما چون وضع را بدین منوال دید، به این شیوه خداپسندانه (پیاده روی) همت گماشت... در سال‌های بعد، رغبت

وَ آخِرُهُمُ النَّاسُ مِنْ وَلَدِي وَ هُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يَحْيَى اللَّهُ بِهِ الْأَرْضُ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ يَظْهَرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.. إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ مِمَّنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ

و آخرین امام، نهمین فرزند من است و او امام قائم به حق است و خداوند زمین را به واسطه او پس از موت زنده کند و دین حق را به دست او بر همه ادیان چیره نماید، گرچه مشرکان را ناخوش آید.. صبرکننده بر آزار و تکذیب در دوران غیبت او، مانند مجاهدی است که با شمشیر پیش روی رسول خدا(ص) مجاهده کرده است.

کمال الدین، ص ۵۸۴



ناوشته

سیدمتین امامی

مادر کجای تاریخ قرار داریم؟



گاهی اضطراب و نگرانی از تصمیمات، برنامه‌های زندگی، احتمال گرفتاری در چنگال دشمن، درماندگی و ... که در برابر فکر انسان خودنمایی می‌کند، به خاطر آینده تاریک و مبهم ناشی از بی‌خبری و نشناختن زمان و شرایط زمانی اعم از واقعیت‌های حال و گذشته است.

زمان‌شناسی، به دانستن تاریخ امروز و مشخصات زمانی که در آن هستیم نیست، ما باید به زمان‌شناسی روی آوریم، زیرا؛ می‌دانیم که زمان در گذر خود، شرایط جدیدی را برای انسان رقم می‌زند. شنیده‌اید که پدرها به فرزندهای خود می‌گویند زمان شما با زمان ما فرق می‌کند؟ این معنایش تفاوت شرایط دو نسل در دو زمان متفاوت است و گرته در تفاوت تاریخ تقویمی این دو زمان شکی نیست. پس زمان شرایط را تغییر می‌دهد. در طرف دیگر؛ آن مفاهیم ثابت هستند که در شرایط متفاوت، مصادیق گوناگونی را می‌پذیرند و پدید می‌آورند. به عنوان مثال تربیت دینی، یک مفهوم مقدس ارزشمند برای پیگیری و اجرا است. اما این که تربیت دینی عملاً چگونه اتفاق می‌افتد و چه نوع رفتارهایی یک تربیت دینی را شکل می‌دهد، علاوه بر اصول و مبانی غیرقابل تغییر دینی، از متغیری به نام محیط تبعیت می‌کند. مثلاً یک محیط بسته و بی‌ارتباط با اطراف، رفتاری را به عنوان رفتار دینی می‌طلبد که

در یک محیط باز و دارای تضادهای نفس‌گیر هرگز جواب‌گو نیست. بنابراین برای یافتن مصادیق مختلف آن مفاهیم ثابت که در شرایط گوناگون پدید می‌آید، و عمل در شرایط امروزی، به درک درست وضعیت حال و فهم زمان و تغییرات زمانی نیاز داریم.

ما باید به زمان‌شناسی روی آوریم؛ زیرا؛ با وجود همه اوصافی که در بالا گفته شد، تلاش برای شناخت زمان به معنای پذیرفتن شرایط جدید و تطبیق همه برنامه‌ها بر اساس اقتضات زمان نیست. اتفاقاً نتیجه مهم درک و شناخت زمان، فراتر رفتن از زمانه و مصون ماندن از اسارت در زمان است. تنها با درک شرایط جدید است که اگر فساد و خرابی‌ای هم در آن دیدید می‌توانید به تغییر و اصلاح اقدام کنید.

باید برای پدید آوردن بستر تصمیم‌گیری مطلوب برای آینده به زمان‌شناسی روی آوریم. ما با زمان‌شناسی، جایگاه تاریخی تمدن‌ها و جریانات فکری فلسفی را درمی‌یابیم و با بررسی سیر تغییرات زمانه از گذشته تا حال، دنیای امروز و خصوصاً تکلیف خود را با خود و دیگران می‌فهمیم. از این منظر؛ زمان‌شناسی پاسخی است به این که «ما در کجای تاریخ قرار داریم؟» و روشن است که جواب به این سوال تا چه حد در برنامه‌ریزی آینده به دست خودمان و نه در تقلید و بندگی دیگران موثر است.

فرهنگی

توصیه‌هایی به زوار اربعین

پاییز حفظ کنید و در ساعات میانی روز با لباس سبک‌تری مسیر را ادامه دهید.

• با توجه به کثرت جمعیت در پیاده‌روی اربعین، سطح بهداشت وضعیت مناسبی ندارد و سرویس‌های بهداشتی چندان تمیز نیست. لذا توصیه می‌شود در کوله‌ی همراهتان صابون داشته باشید.

• شستن دست‌ها قبل از خوردن هر چیزی، از ابتلا به بیماری‌های مختلف شما را مصون می‌کند، پس به این کار اهتمام بورزید. استفاده از ژل دست و دستمال مرطوب هم کمک می‌کند.

• از آب‌های موجود در ظرف‌های روباز و آلوده استفاده نکنید. از اسراف و زیاده‌روی در خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها پرهیز کنید.

• به دلیل آب و هوای خاص عراق و وزش بادهای زیاد و شدید، گرد و خاک زیادی بلند می‌شود. همراه داشتن ماسک برای سالم‌تر ماندن ریه‌ها کمک کننده است.

• در طول سفر سعه صدر داشته باشید و سختی، کمبود و رنج‌های سفر را با بردباری تحمل کنید.

• از ایجاد مزاحمت نسبت به دیگران و همچنین از فعالیت‌ها و حرکات منافعی معنویت مانند دورهم‌نشینی حاوی غیبت، گشتن در بازار و خریدهای غیرضروری و مانند این‌ها پرهیز کنید.

• اهل ایثار باشید و دیگران را بر خود مقدم بدانید. کربلا سرزمین فداکاری و ایثار است و زائر اربعین، این سفر را به فرصتی برای نشان دادن میزان سختی و الگوگیری از آن حضرت و یاران فداکارش تبدیل می‌کند و جلوه‌های ایثار، گذشت و مقدم داشتن دیگران را در موقعیتهایی همچون صف‌های توزیع غذا، سوار شدن در وسایل نقلیه، مکان‌های عبادت و زیارت و صف‌های جماعت و مانند اینها، به نمایش می‌گذارد.

• از میزبانان بویژه مردم شریف عراق، مسئولین و دست اندرکاران کاروان‌ها و همه کسانی که بنحوی خدمت‌رسانی دارند، سپاسگزاری کنید.

• بی‌تردید زائران جمهوری اسلامی به خاطر موقعیت خاصی که ایران اسلامی دارد، جایگاه ویژه‌ای نزد سایر زائرین داشته و انتظارات ویژه‌ای از ایشان متوقع است. از این رو هر زائر ایرانی می‌بایست با مراقبت از شأن و جایگاه خود و نوع تعامل با دیگران بویژه زائران غیرایرانی و مردم شریف عراق الگوی کاملی از خود به عنوان یک زائر راستین نمایش دهد.

• مرجعیت عراق و ستادهای برگزاری مراسم اربعین در ایران خواستار برافراشتن تصاویر شهدای مدافع حرم و استفاده از مراسم اربعین حسینی برای معرفی مردان حماسه‌ساز مدافع حرم اباعده‌الله^(ع) و اهل بیت^(علیهم‌السلام) شدند.

• از حرم امیرالمؤمنین^(علیه‌السلام) تا حرم حضرت عباس^(علیه‌السلام) دو شماره‌گذاری تیرهای برق وجود دارد. ۱ تا ۱۸۲ به رنگ سبز و از ابتدای اتوبان شهر نجف به کربلا (طریق یا حسین) تا شهر کربلا و حرم قمر بنی‌هاشم این تیرها با رنگ قرمز، از شماره ۱ تا ۱۴۵۲ شماره‌گذاری شده‌اند که در مجموع تعداد ۱۶۳۴ تیرک باید طی شود تا به عمود عاشقی برسید.

• شوق رسیدن به کربلا باعث می‌شود که زوار تصمیم بگیرند بیشتر از روزی هشت ساعت پیاده‌روی کنند که کار درستی نیست، استراحت را فراموش نکنید. از مسیر اصلی نیز جدا نشوید.

• هنگام عکس گرفتن از زوار سایر کشورها از آنها اجازه بگیرد تا بعد از انتشار تصاویر برای آن‌ها مشکلات امنیتی پیش نیاید.

• به طور متوسط هر سه کیلومتر یک مرکز گزارش گمشدگان وجود دارد. برای قرار گذاشتن با همسفران مناسب است.

• در حفظ نظافت مسیر پیاده‌روی بکوشید و با تمیز نگه داشتن مسیر، به خودتان و سایر زائران احترام بگذارید.

• با این که در موبک‌ها پریز برق وجود دارد اما به دلیل جمعیت بالا و تعداد کم پریزها، بهتر است شارژر همراه و سه‌شاخه برق همراه داشته باشید.

• روزانه هشت ساعت باید راه بروید. می‌توانید یک ساعت و نیم قبل از اذان صبح بیدار شده و تا اذان صبح یکساعت راه بروید. بعد از نماز، موبک‌ها در مسیر حرکت صبحانه پخش می‌کنند. بعد از صبحانه سه ساعت راه بروید، حدود ساعت ۹ تا ۱۰ در موبک‌ها یکساعت استراحت کنید. مجدداً تا اذان ظهر به مدت دو ساعت پیاده‌روی کنید. به مدت یکساعت برای نماز و ناهار استراحت کنید. بعد از ناهار هم به مدت حدود سه ساعت حرکت کنید و سه یا دو ساعت مانده به اذان مغرب برای خواب و استراحت تا سحر جا بگیرید.

• در ساعات ابتدایی و پایانی روز با بهره‌گیری از لباس گرم، کلاه، چفیه و... خود را از سرمای